

Specific rules and policies of international jurisdiction of courts in Iranian law

Simindokht Barkhordar Teimoori<sup>1</sup>

Received: 19 April 2025

Behshid Arfania<sup>2</sup>

Reception: 9 June 2025

Nejadali Almasi<sup>3</sup>

abstract

**Background and Objective:** In addition to local rules in domestic laws that are used to determine the jurisdiction of courts in international litigation, there are "special rules of international jurisdiction of courts in Iranian law" in some specific domestic laws, international agreements accepted by Iran, and doctrines presented by Iranian jurists. In this article, we will examine these rules. **Method:** The method of this research is descriptive-analytic. **Findings:** By examining existing laws and interpreting some articles of civil laws, the procedure of civil and criminal courts, family support, marital affairs, and civil registration As well as some international laws and agreements, such as the Law on the Accession of the Government of the Islamic Republic of Iran to the Convention on the Contract for the International Carriage of Goods by Road, the agreements on legal assistance between Iran and Azerbaijan, legal assistance between Iran and Russia, legal assistance between Iran and Syria, legal assistance between Iran and Kyrgyzstan, legal assistance between Iran and Kazakhstan, and legal assistance between Iran and the Emirates Also, the single article of the law on the jurisdiction of the judiciary of the Islamic Republic of Iran in hearing civil claims against foreign governments and the decision dated 30/2/1392 of Branch 27 of the Tehran General Court of Law, can be found in the rules that contain solutions for determining the international jurisdiction of courts in civil matters. **Conclusion:** In these laws, some specific rules of international jurisdiction of courts in other countries, such as the proposed order, emergency jurisdiction, jurisdiction agreement, etc., can be found, which indicates that there is a possibility of further interaction with the courts of other countries regarding the transfer of international jurisdiction.

**Keywords:** Special rules, international jurisdiction, court, Iran, jurisdiction agreement, emergency jurisdiction

---

<sup>1</sup> Department of law, SRB.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

<sup>2</sup> Department of law, CTB.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

<sup>3</sup> Department of law, SRB.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.517870.1274>

## قواعد و سیاست خاص صلاحیت بین المللی دادگاه ها در حقوق ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰

سیمین دخت برخوردار تیموری <sup>۱</sup>ID

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

بهشید ارفع نیا (نویسنده مسئول) <sup>۲</sup>ID

نجداعلی الماسی <sup>۳</sup>ID

### چکیده

**زمینه و هدف:** در کنار قواعد محلی موجود در قانون داخلی که برای تعیین صلاحیت دادگاهها در دعاوی بین المللی مورد استفاده قرار می گیرند، قواعد خاص صلاحیت بین المللی دادگاهها در حقوق ایران "در برخی قوانین خاص داخلی، موافقت نامه های بین المللی پذیرفته شده توسط ایران و دکترین های ارایه شده توسط حقوق دانان ایرانی وجود دارد که در این مقاله به بررسی این قواعد می پردازیم. **روش:** روش این پژوهش توصیفی تحلیلی است. **یافته ها:** با بررسی قوانین موجود و تفسیر برخی مواد از قوانین مدنی، آیین دادرسی دادگاهها در امور مدنی، حمایت خانواده، امور حسبی، ثبت احوال و همچنین برخی قوانین و موافقت نامه های بین المللی از قبیل قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین المللی کالا از طریق جاده، موافقت نامه های معاضدت قضایی میان ایران و آذربایجان، معاضدت قضایی بین ایران و روسیه، معاضدت قضایی بین ایران و سوریه، معاضدت قضایی بین ایران و قرقیزستان، معاضدت قضایی بین ایران و قزاقستان و معاضدت قضایی بین ایران و امارات و همچنین ماده واحده قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران در رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی و رای مورخ ۱۳۹۲/۲/۳۰ شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران، می توان به قواعدی دست یافت که در بردارنده راه حل های تعیین صلاحیت بین المللی دادگاهها در امور مدنی می باشند. **نتیجه:** در این قوانین، مواردی از قواعد خاص صلاحیت بین المللی دادگاه در کشورهای دیگر از قبیل امر مطروحه، صلاحیت اضطراری، توافق صلاحیت و غیره رامی توان یافت که نشان می دهد امکان تعامل بیشتر با دادگاههای کشورهای دیگر در باره واگذاری صلاحیت بین المللی وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** قواعد خاص، صلاحیت بین المللی، دادگاه، ایران، توافق صلاحیت، صلاحیت اضطراری

<sup>۱</sup> گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۲</sup> گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۳</sup> گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران

با این که دعاوی بین المللی بخشی از دعاوی مطرح شده در دادگاههای ایران را تشکیل می دهند اما قانونگذار ایرانی قواعد خاصی که مربوط به تعیین دادگاه صالح در این موارد باشد را رایه ننموده است. مقالات متعددی با عناوین مختلف قواعد حقوقی مانند صلاحیت اضطراری، امر مطروحه، دادگاه نامناسب و توافق صلاحیت در حقوق بین الملل خصوصی به چاپ رسیده است اما به طور اختصاصی، قابلیت اعمال این قواعد در حقوق ایران کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. موضوع مقاله پیش رو، بررسی قواعد خاص صلاحیت بین المللی دادگاهها در حقوق ایران است که هدف آن بررسی امکان اعمال عناوین مختلف قواعد جهانی تعیین صلاحیت دادگاهها در دعاوی بین المللی مطرح شده در ایران، به وسیله بررسی قواعد موجود داخلی می باشد.

برای دستیابی به این مقصود ابتدا کلیاتی از قبیل مفهوم صلاحیت بین المللی دادگاهها، تعارض دادگاهها در حقوق بین الملل خصوصی، همبستگی تعارض دادگاهها و تعارض قوانین، صلاحیت متقارن، انواع روشهای تشخیص صلاحیت دادگاهها و لزوم ارتباط دعاوی دادگاه صالح بیان می گردند و سپس قواعد محلی و قواعد خاص تعیین صلاحیت بین المللی دادگاهها در حقوق ایران مورد بررسی قرار می گیرند. در انتهای بحث مزبور نتیجه گیری خواهد شد و پیشنهاداتی ارائه می گردد.

### ۱- مفهوم صلاحیت بین المللی دادگاه

برخی حقوقدانان (صفایی، ۱۳۹۳، ۱۸۱) معتقدند که منظور از صلاحیت عام (General) competence یا صلاحیت بین المللی دادگاهها، صلاحیت دادگاههای یک کشور در مقابل دادگاههای کشور دیگر است. "اصطلاح "صلاحیت عام" در مقابل "صلاحیت خاص" به کار می رود و منظور از صلاحیت خاص این است که بعد از آن که صلاحیت دادگاههای یک کشور برای رسیدگی به یک دعوی بین المللی معلوم شد (صلاحیت عام)، در مرحله بعد به قواعد آیین دادرسی کشور صاحب صلاحیت برای تعیین یکی از دادگاههای داخلی آن کشور مراجعه می گردد.

حقوقدان دیگری (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۱۱) قواعد صلاحیت بین المللی دادگاهها را قواعد مربوط به حل تعارض دادگاهها در تعیین صلاحیت بین المللی دانسته و معتقد است که با استفاده از این قواعد، دادگاه یکی از کشورهایی که موضوع به نحوی با آنها ارتباط پیدا می کند، برای رسیدگی صالح دانسته می شود.

### ۲- تعارض دادگاهها در حقوق بین الملل خصوصی

بحث تعارض دادگاهها یکی از مباحث مهم حقوق بین الملل خصوصی است که دادگاه صالح را از بین دادگاههای دویچندکشوری برای رسیدگی به دعوی معین، تعیین می کند. ازدیرباز در حقوق بین الملل خصوصی با دسته بندی انواع روابط حقوقی و ایجاد دسته های ارتباط از قبیل محل وقوع مال در دسته اموال و تابعیت یا محل اقامت در دسته احوال شخصیه، حداقل یک عامل ارتباط، موجب می شد که قانون حاکم بر انواع دعاوی مطروحه در آن دسته تعیین شود. بر همین اساس در دسته آیین دادرسی و از جمله مسایل صلاحیت، همواره از عامل ارتباط مقرر دادگاه استفاده می شد. امروزه نیز همین گونه است و دولتها از واگذاری مساله صلاحیت به عنوان مصداق بارز حاکمیت دولت به قانون خارجی خودداری می کنند (مقصودی، ۱۳۹۶، ۲۱۴-۲۱۳).

با توجه به این که در نظام حقوقی بین المللی، دادگاه و قانون جهان شمولی وجود ندارد که این گونه تعارضها بر طرف نماید، دادگاه داخلی در مورد موضوعهایی که به خارج ارتباطی دارند و دادگاههای دولتهای خارجی نیز قطعاً احتمالاً نسبت به آنها اعمال صلاحیت می کنند، صلاحیت بین المللی دادگاههای خود را تعیین می کند؛ یعنی تکلیف دادگاههای داخلی را روشن می کند (شریعت باقری، ۱۳۹۵، ۱۴۶-۱۴۵).

البته با توجه به این که تعارض دادگاهها یکی از چالشهای اصلی در حقوق بین الملل خصوصی است، نیاز به ایجاد یک نظام هماهنگ برای حل این تعارضات نمایان است که می تواند به بهبود عملکرد سیستم قضایی در دعاوی بین المللی کمک کند.

### ۳- همبستگی تعارض دادگاهها و تعارض قوانین

در حقوق بین الملل خصوصی، با دو مساله تعارض صلاحیتها و تعارض قوانین مواجه هستیم که ابتدا به مساله صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده پرداخته می شود و سپس موضوع صلاحیت قانون داخلی یا خارجی مورد بحث قرار می گیرد (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۴، ۱۱۲). بنابراین، بین تعارض قوانین و تعارض صلاحیت، یک نوع ارتباط و همبستگی وجود دارد که سبب تاثیر متقابل این دو در یکدیگر می شود.

زمانی که صلاحیت دادگاه یک کشور، سبب اجرای قانون آن شود، صلاحیت قضایی در صلاحیت قانونی تاثیر گذاشته است. علت این تاثیر، اجرای قواعد حل تعارض کشور مقرر دادگاه توسط قاضی برای تعیین قانون حاکم می باشد. این قانون ممکن است با قانونی که قاعده حل تعارض کشور دیگر آن را تعیین می کند، متفاوت باشد. در نتیجه، قانون صلاحیتدار با مراجعه به دادگاه هر یک از دو کشور، یکسان جلوه نمی کند (الماسی، ۱۳۸۴، ۲۸؛ صفایی، ۱۳۹۳، ۱۷۶).

صلاحیت قانونی نیز در صلاحیت قضایی موثر است. به این معنی که صلاحیت قانون یک کشور، صلاحیت دادگاه آن کشور را به دنبال خواهد داشت؛ مثلاً، هرگاه در مورد اموال غیر منقول واقع در ایران، بین دو نفر خارجی در دادگاه عراق، دعوا طرح شود، قاضی عراقی باین دیدگاه که چون تنها قانون محل وقوع مال در این مورد لازم الاجراست، به عدم صلاحیت خود رای می دهد؛ زیرا اموال غیر منقول واقع در خاک یک کشور، بخشی از حاکمیت آن کشور را تشکیل می دهد. ماده ۸ قانون مدنی مقرر می دارد: "اموال غیر منقولی که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود، تملک کرده یامی کنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود" (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۳۱-۳۰).

در بندهای ۶ و ۷ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی نیز آمده است: "...رسیدگی به موضوع دعوا مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاههای ایران نداشته باشد. حکم راجع به اموال غیر منقول واقع در خاک ایران و حقوق متعلق به آن نباشد."

#### ۴- صلاحیت متقارن دادگاهها در دعاوی بین المللی

منظور از صلاحیت متقارن، در دعاوی بین المللی این است که دو یا چند دادگاه واقع در کشورهای مختلف، نسبت به دعاوی خاصی به موجب موازین صلاحیت بین المللی به طور همزمان، صالح به رسیدگی باشند (مافی، ادبی فیروزجایی، ۱۳۹۳، ۵۹). به همین علت، موضوع تعارض دادگاهها به وجود می آید.

طرح یک دعوا در دادگاه های دو کشور، موقعی مطرح می شود که قانونگذار جهت تعیین صلاحیت دادگاهها برای رسیدگی به یک دعوا، به جای یک عامل، عوامل ارتباط مختلف در نظر گرفته باشد؛ خصوصاً در دعاوی ناشی از قرارداد که ممکن است محل انعقاد یا محل اجرای آن با اقامتگاه طرفین متفاوت باشد (مافی، ادبی فیروزجایی، ۱۳۹۳، ۶۰).

بنظر می رسد که با توجه به روابط پیچیده بین المللی امروز، شفافیت در این زمینه می تواند به کاهش دعاوی و اختلافات کمک کند.

#### ۵- صلاحیت تشخیص صلاحیت توسط دادگاه

ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می دارد: "تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه، نسبت به دعوایی که به آن رجوع شده است با همان دادگاه است." اختیاری که دادگاه نسبت به احراز شایستگی خود برای رسیدگی به دعوا دارد، قاعده "صلاحیت تشخیص صلاحیت" نام دارد. پس از تشخیص صلاحیت، دادگاه مکلف به رسیدگی است و نمی تواند از اعمال صلاحیت خودداری کند (مافی، ادبی فیروزجایی، ۱۳۹۳، ۶۱).

## ۶- تشخیص صلاحیت دادگاه توسط خواهان

علاوه بر تکلیف دادگاه بر تشخیص صلاحیت خود، خواهان نیز مکلف است مرجع صالح را تشخیص دهد و دعوای او را در آن مرجع طرح کند. این تکلیف خواهان، همراه با یک "اصل" است و آن این که اگر دعوای مرجع غیر صالح طرح شد، تکلیف دادگاه به ارسال پرونده به مرجع صالح، خلاف اصل است و باید به طور مضیق تفسیر شود (شمس، ۱۳۸۹، ۴۰۸).

در حقوق ایران، ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ مقرر می‌دارد: "دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم می‌گردد"، پس تکلیف خواهان به طرح دعوی در دادگاه صالح، تصریح شده است. البته چون وظیفه ثبت کردن و رسیدادن، بر عهده بخش اداری دادگاه است، بدیهی است که باید دادخواست به دفتر دادگاه صالح داده شود (شاه حیدری پور، ۱۳۹۶، ۲۳۰).

البته بنظر می‌رسد تکلیف خواهان برای تشخیص مرجع صالح می‌تواند به نوبه خود پیچیدگی‌های اضافی را به پرونده‌های حقوقی بیفزاید. این نکته همواره باید مورد توجه قرار گیرد که عدم رعایت این تکلیف نیز ممکن است به نفع طرفین ضعیف نباشد.

## ۷- تشخیص صلاحیت دادگاه توسط خوانده

ایراد عدم صلاحیت در بند ۱ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ پیش‌بینی شده است. نکته حایز اهمیت این است که، ایراد فقدان صلاحیت باید در مقطع اولیه دادرسی، با ضمانت اجرایی از دست دادن حق ایراد، به عمل آید. این بدان خاطر است که هم از ورود نابجای دادگاه به رسیدگی ماهوی جلوگیری شود و هم مانع سوء استفاده خواننده از حق مزبور گردد؛ زیرا ممکن است وی در جریان دادرسی هرگاه احساس کند روند رسیدگی به نفع وی نیست، بخواهد با استفاده از حربه ایراد، صدور حکم را به تعویق بیندازد (شاه حیدری پور، ۱۳۹۶، ۲۳۲-۲۳۳).

## ۸- لزوم ارتباط دعوای دادگاه رسیدگی کننده

در تعیین دادگاه صالح، دغدغه نخست، وجود عامل یا عوامل ارتباطی در دعوا است که آن را به کشوری که دعوای آنجا مطرح شده، ارتباط دهد (ادبی فیروزجایی و مافی، ۱۳۹۳، ۵۸). در نتیجه، مباحثه صلاحیت بین المللی دادگاههای ایران، همان مبانی صلاحیت داخلی بر اساس قواعد پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی مدنی است (سلجوقی، ۱۳۸۷، ۴۸۵). در صورتی که وجود هر یک از عوامل ارتباط عام پیش‌بینی شده در قواعد صلاحیت نسبی یا محلی، مانند محل اقامت خواننده، محل وقوع مال یا شئی، محل

ایجاد یالیفای تعهد قراردادی، محل اقامت خواهان، محل سکونت و غیره احراز گردد، دادگاهها می توانند صلاحیت خود را برای رسیدگی اعلام کنند. در غیر این صورت بی آنکه لازم باشد تعیین کنند دعوا در صلاحیت دادگاههای کدام کشور دیگر است، دادگاهها ناگزیر باید از اعمال صلاحیت خودداری نمایند (سلجوقی، ۱۳۸۷، ۴۹۲).

#### ۹- قواعد محلی صلاحیت بین المللی دادگاهها در حقوق ایران

برای اجرای قواعد صلاحیت محلی در امور بین المللی، باید قبول کنیم که اتباع داخلی و خارجیها از نظر ترافع قضایی، دادرسی و اقامه دعوا یکسان هستند و فرقی بین آنها وجود ندارد (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۲۶). توسعه قواعد صلاحیت داخلی به این ترتیب است که در مقابل هریک از قواعد صلاحیت داخلی، یک قاعده صلاحیت بین المللی وجود دارد؛ مثلاً در مقابل قاعده "صلاحیت دادگاه محل اقامتگاه خواننده"، قاعده "صلاحیت دادگاههای ایران در صورت اقامتگاه داشتن خواننده در ایران"، مطرح می شود (شریعت باقری، ۱۳۹۵، ۱۶۶). مواردی از قواعد محلی صلاحیت بین المللی دادگاهها در حقوق ایران بشرح ذیل می باشد:

##### ۹-۱) دادگاه محل اقامت خواننده

اقامتگاه خواننده مهمترین مبنای احراز صلاحیت دادگاهها است که به عنوان یک قاعده مهم در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران بدین صورت انعکاس یافته است: "دعوا بلیاید در دادگاهی اقامه شود که خواننده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد..." (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۲۷-۲۶). البته این قاعده شامل اشخاص حقوقی نیز می شود. همچنین در صورت تعدد خواننده ها کافی است که یکی از آنها در ایران اقامتگاه داشته باشد (شریعت باقری، ۱۳۹۵، ۱۶۶). صلاحیت دادگاههای ایرانی در مورد اشخاصی که در ایران دارای اقامتگاه می باشند، صلاحیتی انحصاری می باشد (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۲۸).

باتاکیدی که قانونگذار در ماده ۱۱ بربره کاربردن کلمه "ایران" داشته مشخص است که علاوه بر صلاحیت داخلی، نظریه صلاحیت بین المللی نیز داشته است (ادبی فیروزجایی ومافی، ۱۳۹۳، ۵۹-۵۸). اگر خواننده دعوا بیگانه باشد اصل بر این است که توصیف به موجب قانون مقر دادگاه انجام شود، بنابراین برای تعیین اقامتگاه خواننده نیز که نوعی توصیف است، باید به قانون مقر دادگاه مراجعه کنیم. سپس در صورتی که اقامتگاه خواننده در کشور مقر دادگاه تشخیص داده شود، دادگاه همان کشور صالح خواهد بود. در صورتیکه اقامتگاه خواننده در خارج از کشور باشد، هرگاه قواعد دیگری مثل صلاحیت دادگاه محل

سکونت خواننده و غیره وجود داشته باشد، طبق آن قواعد عمل می گردد و گرنه در صورت لزوم به قانون و دادگاه خارجی مراجعه خواهد شد (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۲۸).

نکته دیگر این است که بر اساس قاعده "دادگاه محل اقامت خواننده" همواره، این دادگاه برای رسیدگی به هر دعوی صالح فرض می شود. حال اگر قانونگذار، دادگاههای دیگری را به علت ارتباط بایک دعوا، صالح بشناسد، این امر، به خودی خود نافی صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده نیست؛ مگر آن که خلافش اثبات شود. دیوان عالی کشور در رای وحدت رویه مورخ ۲۶/۳/۱۳۵۹، اعلام نموده است که "حکم مقرر در ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی راجع به مراجعه خواهان به دادگاه محل وقوع عقد یا قرارداد و یا محل انجام تعهد، قاعده عمومی صلاحیت نسبی دادگاه محل اقامت خواننده را که در ماده ۲۱ قانون مزبور پیش بینی شده نفی نکرده...." و "این رای، با توجه به مشابهت تقریباً کامل نصوص مواد ۲۱ و ۲۲ قانون پیشین از یک سو و مواد ۱۱ و ۱۳ قانون کنونی، در حال حاضر نیز لازم الاجرامی باشد. این معنادر رای وحدت رویه شماره ۶۸۸-۳/۲۳-۸۵ نیز تایید گردیده است." بدین ترتیب، در این موارد، "صلاحیت متقارن" وجود دارد (شمس، ۱۳۹۲، ۳۹۹).

## ۲-۹) دادگاه محل سکونت خواننده

ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی ماکه اعلام می دارد: "...اگر خواننده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد...". در حقیقت به مشخص نبودن یا بودن اقامتگاه توجهی ندارد، بلکه مقرر می دارد که هرگاه خواننده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، حتی اگر اقامتگاه او در خارج مشخص باشد، در صورت داشتن محل سکونت موقت در ایران، در دادگاه همان محل (ایران) اقامه دعوا خواهد شد. منظور قانونگذار ایرانی این بوده است که خواهان ایرانی، در مواردی که خواننده در ایران اقامتگاهی ندارد، مجبور نباشد جهت طرح دعوی خود به کشوری خارجی مراجعه نماید و از این طریق از یک جهت رعایت منافع مدعی ایرانی را نموده و از طرف دیگر دامنه صلاحیت دادگاههای ایران را وسعت بخشیده است و باتاکیدی که قانونگذار، در به کاربردن کلمه "ایران" داشته، مشخص است که علاوه بر صلاحیت داخلی، نظریه صلاحیت بین المللی نیز داشته است و خواهان، حق انتخاب بین دادگاه ایران (محل سکونت خواننده) و دادگاه خارجی (محل اقامت خواننده) را دارد (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۲۹-۲۸).

## ۳-۹) دادگاه محل وقوع مال یاشیء

دادگاه محل وقوع مال یاشیء به دوشکل، صالح برای رسیدگی دانسته شده است. گاه مال یاشیء، خودش موضوع اختلاف یادست کم مربوط به آن است و گاه مال تنها متعلق به خواننده دعواست.

برابر ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی، اگر خواننده در ایران اقامت یا محل سکونت موقت نداشته باشد، ولی مال غیر منقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع شده است. از نظر نزدیکی به شواهد و مدارک مربوط به مال غیر منقول، اجرای قرار معاینه محل و یا قرار جلب نظر کارشناس و نیز از نظر سهولت اجرای حکم، در اغلب کشورها، چه در حقوق داخلی و چه از نظر صلاحیت بین المللی، این حکم مورد قبول واقع شده است.

ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی می گوید: "دعاوی مربوط به اموال غیر منقول اعم از دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است، اگرچه خواننده در آن حوزه مقیم نباشد". بنابراین هرگاه دعوا مربوط به مال غیر منقول و یا حقوق ارتفاعی مربوط به آن باشد، تنهارجوع به دادگاه اقامتگاه خواننده لزومی ندارد، بلکه باید انحصاراً به دادگاه محل وقوع مال مراجعه نمود؛ زیرا باتاکیدی که در ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی نموده و مقرر می دارد "اگرچه خواننده در آن حوزه مقیم نباشد"، مستفاد می گردد که صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیر منقول، در سطح داخلی و بین المللی، یک صلاحیت انحصاری است و بدین ترتیب حاکمیت ارضی نیز محفوظ می ماند (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۳۱-۳۰).

در دستورهای موقتی و اقدامهای تامینی، نیز برابر ماده ۳۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی هرگاه موضوع درخواست دستور موقت، در مورد دادگاهی غیر از دادگاههای یادشده در ماده قبل باشد، درخواست دستور موقت از آن دادگاه به عمل می آید، اگرچه صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا نداشته باشد. همچنین برابر ماده ۴ قانون آیین دادرسی مدنی درخواست تامین دلایل و امارات از دادگاهی می شود که دلایل و امارات مورد درخواست در حوزه آن واقع است. در مورد دستور موقت و تامین دلیل ممکن است مال موضوع درخواست موقت یا تامین، مال منقول باشد (شمس، ۱۳۸۹، ۳۷۰).

#### ۴-۹) دادگاه محل ایجاد یا ایفای تعهد قراردادی

ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می دارد: "در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد خواهان می تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می بایست در آنجا انجام

شود. "ذکر کلمه "می تواند" مبین اختیاری بودن صلاحیت هریک از دودادگاه است. بدیهی است در صورتی که قرارداد از طریق مکاتبه صورت گرفته باشد، محل و زمان وقوع عقد را باید محل و زمان وقوع قبول دانست و نظریه غالب در مورد محل و زمان وقوع قبول نیز امروزه محل و زمان ارسال قبولی است (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۳۳).

همین حکم در ماده ۲۳ در مقابل اشخاص خارج از شرکت بدین شکل تکرار شده است: "دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت، در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود اقامه می شود." در دعاوی که جنبه بین المللی دارند ممکن است هر کدام از محل های مذکور در این مواد در خارج از کشور باشند؛ پس بر روی تعیین دادگاه صالح تاثیر گذار می باشند. همچنین در ماده ۲۵، در مورد دادگاه محل صدور سند ثبت احوال، آمده است که: هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذینفع مقیم خارج از کشور باشد رسیدگی با دادگاه محل صدور سند است و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو خارج از کشور باشد در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان تهران خواهد بود."

#### ۵-۹) دادگاه محل اقامت خواهان

طبق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی: "...مدعی می تواند در دادگاه محل اقامت خود اقامه دعوا کند." قانونگذار برای حفظ منافع اتباع کشور یا برای احترام از تضییع حق، یک ضابطه فرعی دیگر برای صلاحیت بین المللی پیش بینی کرده است و آن اقامتگاه خواهان است. هرگاه خوانده در ایران نه اقامتگاه داشته باشد، نه محل سکونت موقت و نه مال غیر منقول، خواهان می تواند در دادگاه اقامتگاه خود بر او اقامه دعوا کند. امتناع دادگاههای ایران از رسیدگی در اینگونه موارد ممکن است به استنکاف از احقاق حق منتهی گردد؛ لذا قانونگذار اجازه داده است که خواهان در دادگاه اقامتگاه خود اقامه دعوا نماید (صفایی، ۱۳۹۳، ۲۱۳-۲۱۲).

همچنین ماده ۴ قانون ثبت احوال مصوب تیرماه ۱۳۵۵ (معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، ۱۳۸۴، ۹۱۲-۹۱۱) مقرر می دارد: "رسیدگی به شکایات اشخاص ذینفع از تصمیمات هیات حل اختلاف و همچنین رسیدگی به سایر دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال با دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان به عمل می آید..."

#### ۶-۹) دادگاه محل آخرین اقامتگاه متوفی

در دعاوی مربوط به ارث، در اغلب کشورها این قاعده پذیرفته شده است که دادگاه آخرین اقامتگاه متوفی، صالح برای رسیدگی به اموری مثل مهر و موم، تحریر، تصفیه و تقسیم

ترکه، دعاوی بین وراث متوفی، دعاوی بستانکاران متوقف و دعاوی موصی له یاوصی راجع به وصایای متوفی باشد؛ زیرا معمولاً در محل مزبور دسترسی به اموال وی ساده تر است. بعلاوه این قاعده باعث می شود، از صدور احکام متناقض جلوگیری شود. ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی ایران و ماده ۶۳ قانون امور حسبی این موضوع را بیان می کند (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۳۴).

ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می دارد: "دعاوی راجع به ترکه متوفی اگرچه خواسته، دین و یا مربوط به وصایای متوفی باشد، تا زمانی که ترکه تقسیم نشده در دادگاه محلی اقامه می شود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران، آن محل بوده و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد، رسیدگی به دعاوی یادشده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران، در حوزه آن بوده است."

در این ماده، ذکر کلمه "ایران"، نشان دهنده پذیرفتن این قاعده، نه تنها در سطح داخلی، بلکه در سطح بین المللی می باشد. بنابراین قانون ایران، در مورد متوفی نیز پیش بینی کرده است که، اگر اقامتگاهی در ایران نداشته باشد، حتی با فرض دارا بودن اقامتگاه در خارج ایران، در صورتیکه محل سکونتی در ایران داشته باشد، دادگاه همان محل، صالح برای رسیدگی به امور مربوط به ترکه وی خواهد بود.

به موجب رای شماره ۲۸۰۰۲ هیات عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۱ / ۵ / ۳۱، اداره ترکه طبق ماده ۱۶۲ قانون امور حسبی، از امور راجع به ترکه بوده و به موجب ماده ۶۳ قانون مزبور، با دادگاه بخش (عمومی) آخرین اقامتگاه متوفی در ایران می باشد و موافق ماده ۳۲۷ آن قانون، همین که معلوم نباشد متوفی دارای وراث است، دادگاه به تقاضای دادستان یا اشخاص ذینفع، اقدام به تعیین مدیر ترکه می نماید، اعم از این که متوفی بازرگان یا غیر بازرگان باشد. بدیهی است که اگر متوفی مطالباتی داشته باشد، طرح دعاوی علیه بدهکاران یا علیه اشخاصی که عین بعضی از اموال متوفی نزد آنان است، تابع قاعده عمومی صلاحیت دادگاه محل اقامت خولنده خواهد بود و نباید در دادگاه آخرین اقامتگاه متوفی مطرح شود.

ماده ۱۶۴ قانون امور حسبی می گوید: "هرگاه متوفی در ایران اقامتگاه یا محل سکونی نداشته، دادگاهی صالح است که ترکه در آنجا واقع شده و اگر ترکه در جاهای مختلف باشد، دادگاهی که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است صلاحیت خواهد داشت و اگر اموال غیر منقول در حوزه های متعدد باشد، صلاحیت با دادگاهی است که قبلاً شروع به اقدام کرده است." این صلاحیت در بعضی کشورها از جمله ایران جنبه انحصاری

دارد و مدعی در دادگاه دیگری، غیر از دادگاه آخرین اقامتگاه متوفی، نمی تواند اقامه دعوا نماید (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۳۶-۳۵).

#### ۷-۹) دادگاه مرکز اصلی شرکت

ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی اعلام می دارد: "دعای راجع به ورشکستگی شرکتهای بازرگانی که مرکز اصلی آنها در ایران است، همچنین دعوی مربوط به اصل شرکت و دعوی بین شرکت و شرکا و اختلافات حاصل بین شرکا و دعوی اشخاص دیگر علیه شرکت، تازمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تسویه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می شود."

اما قانونگذار، به طور کلی دعوی راجع به توقف یا ورشکستگی را مطابق ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی، در صورت داشتن محل اقامت در ایران، در صلاحیت دادگاه محل اقامت شخص متوقف یا ورشکسته دانسته و در غیر این صورت در صلاحیت محل وقوع شعبه یا نمایندگی شرکت می داند.

دعوی ورشکستگی در حقوق ایران، چون از نظر حفظ حقوق طلبکاران شرکت ورشکسته اقامه می شود، لذا صلاحیتی انحصاری است و به همین جهت، در صورتی که از دادگاه خارجی، حکمی در مورد ورشکستگی شرکت ایرانی صادر شود، قابلیت اجراد در ایران را نخواهد داشت. از طرف دیگر در مورد تعهدات شرکت با اشخاص خارج از شرکت، ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی اعلام می دارد: "دعوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت، در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود، اقامه می شود. اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد، دعوی ناشی از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج، باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود، مگر آن که شعبه یاد شده برچیده شده باشد که در این صورت نیز دعوی در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد." (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۳۸-۳۷).

#### ۱۰- قواعد خاص صلاحیت بین المللی دادگاهها در حقوق ایران

##### ۱-۱۰) قاعده امر مطروحه

طبق قاعده امر مطروحه هنگامی که دودادگاه، اختلاف یکسانی را بررسی کنند، دومین دادگاه از نظر زمانی که پرونده نزد آن مطرح شده است از اعمال صلاحیت خودداری می کند و اجازه می دهد دادگاهی که اول رسیدگی را آغاز کرده است در مورد اختلاف تصمیم گیری کند. از این قاعده، تحت عنوان ایراد امر مطروحه نام برده شده است. ماده ۸۹ قانون

آیین دادرسی ایران مقرر می دارد: "...در مورد بند ۲ ماده ۸۴ هرگاه دعوادر دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد از رسیدگی به دعوای خودداری کرده پرونده را به دادگاهی که دعوادر آن مطرح است می فرستد..." (شمس، ۱۳۹۲، ۴۲۲). علت این امتناع از رسیدگی نه فقدان صلاحیت، بلکه جلوگیری از صدور آرای متعارض راجع به یک موضوع است. در حقیقت سبق طرح دعوادر یکی از دادگاههای دارای صلاحیت اقرانی، سبب منع اعمال صلاحیت از سوی دیگر دادگاههای دارای این نوع صلاحیت می شود و نه سلب صلاحیت آنها؛ زیرا اگر به هر دلیلی مانند استرداد دادخواست از سوی خواهان، رسیدگی به دعوادر دادگاه مزبور منتهی به صدور رای قاطع نشود، خواهان می تواند این بار همان دعوادر دادگاههای دیگر دارای صلاحیت اقرانی مطرح سازد (شاه حیدری پور، ۱۳۹۶، ۲۰۹)؛ اما در حقوق بین الملل خصوصی به دلایل زیر، ایراد خوانده به صلاحیت دادگاه خللی وارد نمی آورد:

الف- در حقوق بین الملل هیچگونه سازمانی که تقسیم صلاحیت بین قضات کشورهای مختلف کند وجود ندارد، تا رسیدگی احتمالی دودادگاه از دو کشور، دخالتی در امور مربوط به تعیین و تقسیم صلاحیت محسوب شود.

ب- به فرض صدور آرای متناقض از دودادگاه مربوط به دو کشور، بدیهی است که رای دادگاه خارجی، در مقابل رای صادره از دادگاه داخلی، در کشور قابل اجرا نخواهد بود. لذا این ایراد در اینجام مطرح نخواهد بود (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۴۲).

از طرفی برابر ذیل ماده ۹۷۱ قانون مدنی: "...مطرح بودن همان دعوادر محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود". از این ماده دو برداشت وجود دارد: برخی معتقدند که بر اساس این ماده، دادگاه ایرانی بی اعتنا به مطرح بودن همان پرونده در دادگاه بیگانه، بنا بر صلاحیت خود اقدام می کند. این قاعده نتیجه منطقی این اصل است که دادگاههای هر کشور، در مقام تعیین صلاحیت خود برای رسیدگی به حل و فصل دعاوی بین المللی، فارغ از وجود ربط میان دعوای نظام قضایی کشور دیگر، تنها به بررسی این مساله می پردازد که آیا جهت ربط میان آن دعوای نظام قضایی کشور آنان یافت می گردد یا نه؛ در صورت احراز آن به رسیدگی خود در باره آن ادامه می دهند (سلجوقی، ۱۳۸۷، ۴۷۱). در مقابل، به نظر برخی دیگر، این ماده صرفاً ناظر به قضایایی است که رسیدگی به آنها در صلاحیت اختصاصی دادگاه ایرانی می باشد و در باره موارد دیگر حکمی ندارد و دادگاه ایرانی می تواند در این قبیل موضوعات که در صلاحیت انحصاری و اختصاصی وی نیست، ایراد سبق طرح دعوادر دادگاه خارجی را بپوشاند (غمامی و محسنی، ۱۳۹۰، ۱۷۲). در تایید این نظریه می توان گفت از آنجاکه گسترش مرادفات بین المللی و مبادلات اقتصادی، اعتماد به سیستم قضایی خارجی را اجتناب ناپذیر ساخته است، پس بدون توجه

به سیستمهای قضایی دولتهای مقابل، اگرچه در ظاهر، موجب حمایت از اتباع ایرانی است، نمی توان از اختلال در همکاریهای اقتصادی جلوگیری کرد.

از این رو در بند ۲ ماده ۳۱ کنوانسیون حمل و نقل جاده ای، که ایران در سال ۱۳۷۶ به آن ملحق شده، عدم امکان طرح دعوای دادگاه موخر پیش بینی گردیده است. در مواردی که دعوای دادگاه یادیوان صلاحیتدار، بر طبق بند ۱ این ماده مطرح است یا در مواردی که حکمی از طرف دادگاه یادیوان صلاحیتدار صادر شده باشد، دو طرف دعوانمی توانند نسبت به همان اعداد در کشوردیگری دعوای تازه ای مطرح کنند، مگر این که حکم دادگاه یادیوانی که دعوای اولیه نزد آن مطرح شده، در کشوری که دعوای تازه در آن اقامه می شود، قابل اجرا نباشد (مقصودی، ۱۳۹۱، ۱۰۹).

بنظر می رسد امروزه با توجه به لزوم حفظ روابط بین المللی، بهتر است ایراد مطرح بودن دعوای دادگاه دیگر در نظام بین المللی، برای تمامی دعوای، لاقلاً تحت شرایطی پذیرفته شده یا به قاضی اختیار داده شود تا در مواردی که صلاح تشخیص می دهد آن را قبول نماید.

## ۲-۱۰) قاعده نزاکت

در حقوق ایران، نزاکت و احترام متقابل میان دولتها به عنوان مبنایی برای عدم اعمال صلاحیت محسوب نمی شود و ویژگی صلاحیت به عنوان اعمال حاکمیت، به دادگاه امکان می دهد تا به دعوایی رسیدگی کند که قبلاً در کشور خارجی مورد رسیدگی قرار گرفته است و دادرسی انجام شده در کشور خارجی برای دادگاه ایران، اعتبار امر قضاوت شده ندارد. اگرچه ماده ۹۷۱ قانون مدنی در مورد دادرسی انجام شده در کشور خارجی حکمی ندارد، در صورت ایجاد صلاحیت برای دادگاه ایران، رای دادگاه کشور خارجی نمی تواند مانعی برای اعمال صلاحیت دادگاه ایران ایجاد کند؛ مگر این که رای خارجی در کشور ایران شناسایی شده باشد که در این صورت دارای آثار رای صادره از کشور ایران است (مقصودی، ۱۳۹۱، ۱۱۳-۱۱۲).

البته یک استثنا در قوانین ایران وجود دارد. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین المللی کالا از طریق جاده، منعقد شده در ژنوبه تاریخ ۱۹۵۶/۵/۱۹ برابر با ۱۳۵۵/۲/۲۹، در ماده ۳۱ خود مقرر می دارد: "۱- در دعوای ناشی از حمل کالا، برابر مقررات این کنوانسیون، خواهان می تواند در هر دادگاه یادیوان یکی از کشورهای طرف این کنوانسیون که باتوافق دو طرف تعیین شده باشد اقدام به دادخواهی کند. علاوه بر آن می تواند به دادگاههای کشوری مراجعه نماید که: الف- محل اقامت رسمی یا مرکز کار خوانده یا شعبه یا نمایندگی خوانده که قرارداد حمل را امضا کرده است در آن کشور قرار گرفته باشد، یا ب- محلی که حمل کننده، کالا را تحویل گرفته و یا محلی که برای

تحويل کالاتعین شده در آن کشور قرار گرفته باشد. غیر از کشورهای مورد اشاره، خواهان در هیچ دادگاه یادیوان دیگری نمی تواند اقامه دعوا نماید. ۲- در مواردی که نسبت به ادعایی که در بند (۱) این ماده به آن اشاره شد، دعوی دادگاه یادیوان صلاحیت دار، برابر مقررات بنیاد شده مطرح یا در مواردی که نسبت به چنین ادعایی حکمی از طرف دادگاه یا دیوان صالحی صادر شده باشد، و طرف دعوانمی تواند نسبت به همان اعداد کشور دیگری دعوی تازه ای مطرح کنند، مگر این که حکم دادگاه یادیوانی که دعوی اولیه نزد آن مطرح شده، در کشوری که دعوی تازه در آن اقامه می شود، قابل اجرا نباشد. ۳- وقتی نسبت به دعوی که در بند (۱) این ماده به آن اشاره شد، حکمی از یکی از دادگاهها یادیوان کشورهای طرف این کنوانسیون صادر و در آن کشور قابل اجرا شود، این حکم در هر کشور دیگر طرف کنوانسیون نیز بلافاصله پس از انجام تشریفات مقرر کشور پیش گفته، لازم الاجرا خواهد بود. این تشریفات نباید رسیدگی مجدد نسبت به ماهیت موضوع را مجاز کند...". برابر بند ۲ و ۳ این ماده، لزوم اعمال قاعده نزاکت مشهود می باشد (مقصودی، ۱۳۹۱، ۱۱۲).

بنابراین بنظر می رسد که قاعده نزاکت بر مبنای حقوق حاکمیتی ایران قابل اجرا باشد و این موضوع بایلیباحتیاط بیشتری بررسی شود. با این حال، اگر چه احترام متقابل بین دولت ها از اهمیت بالایی برخوردار است، لیکن ضروری است که مدیریت صلاحیت ها به گونه ای باشد که به تحقق عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق اتباع ایرانی خاتمه دهد.

### ۳-۱۰) قاعده مصونیت قضایی ناشی از شرط متقابل ایران

در ایران، با وجود سکوت مطلق قوانین در خصوص دولتهای خارجی، شرط عمل متقابل، در ماده واحده "قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران در رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی مصوبه ۱۸ / ۸ / ۱۳۷۸ پیش بینی شده است (عبداللهی و شافع، ۱۳۸۲، ۱۳۶). بر اساس قانون یاد شده و اصلاحیه مورخ ۱۱ / ۸ / ۱۳۷۹ آن، طرح دعوا علیه دولتهایی که "مصونیت قضایی ناشی از مصونیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران و مقامات رسمی آن رانقض نموده باشند" و فهرست آنها "توسط وزارت امور خارجه تهیه و به قوه قضاییه اعلام می شود"، "بعنوان عمل متقابل" امکان پذیر است. نکته ای که مطرح است این است که این قانون اولاً آنها طرح دعوا علیه دولتهایی که در بالا ذکر گردید رله عنوان عمل متقابل امکان پذیر می داند و ثانیاً دعوی قابل طرح بر اساس این قانون، منحصر به مطالبه خسارت بر اساس بندهای ۱ و ۲ آن است. بنابراین سایر انواع دعاوی مانند دعاوی ناشی از نقض تعهدات قراردادی را در بر نمی گیرد (ظاهری، ۱۳۸۳، ۱۲۹).

بنابراین بنظرمی رسد این قاعده به وضوح نماد تلاشی در راستای برقراری توازن در روابط با کشورهای دیگر است. باین حال، محدودیت‌هایی که در این قانون برای طرح دعاوی علیه دولت‌ها وجود دارد باید دقیقاً بررسی شود تا اطمینان حاصل شود که از ایرادات صرف نظر نکنیم و حقوق آسیب‌دیدگان حفظ شود.

#### ۴-۱۰) قاعده صلاحیت اضطراری

قاعده صلاحیت اضطراری به دلیل اتکاب‌راندیشه عدالت، بطور گسترده‌ای در قوانین داخلی بسیاری از کشورهای و نیز اسناد بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته است. طبق این قاعده، اگر اعمال قواعد عادی صلاحیت، به نتایج نامطلوب منتهی می‌شود یا برای تحقق عدالت ناتوان است، کنار گذاشته می‌شود و دادگاهی که اصولاً فاقد صلاحیت است، می‌تواند به دعوا رسیدگی کند. این قاعده به دادگاه اجازه می‌دهد تا نسبت به دعوا فرض صلاحیت نماید، در صورتی که هیچ دادگاه دیگری که بتواند به دعوا در آن مورد رسیدگی کند، وجود نداشته باشد. چنین دادگاهی به عنوان دادگاه اضطراری (Emergency Jurisdiction) شناخته می‌شود (مقصودی، ۱۳۹۷، ۳۶-۳۵).

در ایران برخی نویسندگان این نوع صلاحیت را به عنوان قاعده دادگاه مورد نیاز نیز ترجمه کرده‌اند (غمامی و محسنی، ۱۳۹۰، ۵۹). بسیاری از سیستم‌های حقوقی شکلی، قاعده صلاحیت اضطراری را اعمال می‌کنند و به خواهان اجازه می‌دهند با وجود موانع صلاحیتی در دادگاه داخلی اقامه دعوا نمایند. این نوع صلاحیت نه فقط در احوال شخصیه، بلکه حتی در امور مدنی و بازرگانی نیز اعمال می‌شود (مقصودی، ۱۳۹۷، ۳۷).

اضطرار در ادبیات حقوقی بین‌الملل خصوصاً کشورهای ماحد اقل در تعارض قوانین، دارای سابقه است. ممکن است در مواردی قانون خارجی به موجب ورود ضرر روزیان به ذی نفع یا اموال وی به طور موقت قابلیت اجراند داشته باشد، پس بلید از اجرای قانون مذکور به طور موقت صرف نظر کرد و یا توجه به قانون مقر دادگاه، اقدامات مقتضی را انجام داد (غمامی زاده، ۱۳۸۳، ۱۱۸).

برخی نویسندگان، ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۴۸ تا ۵۲ قانون امور حسبی را دلیل بر پذیرش این نوع صلاحیت در حقوق ایران قلمداد کرده‌اند. در قانون آیین دادرسی مدنی، هنگامی که اقامتگاه، محل اقامت موقت و محل وقوع مال غیر منقول خولنده معلوم نیست، خواهان می‌تواند دعوی خود را در دادگاه محل اقامت خود که در دسترس‌ترین و در عین حال، مورد نیازترین محکمه برای اوست، طرح کند (غمامی و محسنی، ۱۳۹۰، ۶۰).

نویسندگان دیگری نیز در ذیل تفسیر ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ که همان ماده ۱۱ قانون مصوب ۱۳۷۹ می باشد، تاکید نمودند که منظور از این قاعده حمایت از اتباع داخل است. یعنی عدم تسلیم به دادگاه کشور بیگانه که به واسطه دوری مسافت، موجب اتلاف وقت و هزینه است و هم این که درباره بیگانگان کاملاً رعایت بی طرفی نمی نماید. در ادامه با توجه به حقوق کشورهای غربی، تاکید شده که امروزه در این کشورها، تمایلی به قواعد کهنه استثنایی که برای حفظ حقوق اتباع داخله وضع شده است، وجود ندارد. برعکس تمایل بر تعاون قضایی به وسیله وضع قوانین مشابه و انعقاد قراردادهای بین المللی است (متین دفتری، ۱۳۹۱، ۲۸۲-۲۸۱). نحوه تنظیم ماده ۱۱ قانون جدید ماده ۲۱ قانون قدیم، هماهنگ با مقررات اکثر کشورهای درگسترش صلاحیت محاکم ملی است.

برخی نویسندگان در ذیل نظریه استنفکاف از احقاق حق، به این نوع از صلاحیت استثنایی در فرانسه و آلمان پرداخته و تلاش نمودند تا آن را با حقوق ایران تعمیم دهند. آنجا که قانونگذاری کوشش ارتباطی هر چند دور بین دعوا و نظام داخلی پیدا کند و از این راه، صلاحیت دادگاههای ایران را بپذیرد؛ مثلاً قانونگذار در قانون آیین دادرسی مدنی، حتی داشتن مال غیر منقول را در ایران، اگرچه هیچ ارتباطی با دعوا و تأثیری در اجرای حکم نداشته باشد، یک ضابطه ثانوی صلاحیت قرارداد است. شاید به این دلیل که از تضییع حق افراد به هرنحوی که شده است، جلوگیری کند (صفایی، ۱۳۹۳، ۲۰۷).

درباره وضعیت حقوق ایران دو نکته لازم است که مورد توجه قرار گیرد: نخست این که قانونگذار صرفاً در پی حمایت از اتباع ایرانی نیست و کلیه اشخاصی که در خاک ایران اقامت داشته باشند، صرف نظر از تابعیت خود می توانند در دادگاههای ایران اقامه دعوا کنند. دوم این که یکی از شرایط اصلی صلاحیت اضطراری، عدم امکان دادرسی در کشور خارجی است؛ در حالی که در قوانین داخلی ایران که برای توجیه این نوع صلاحیت مورد استناد قرار گرفته است، چنین شرطی وجود ندارد. در واقع صلاحیت اضطراری با توجه به قواعد صلاحیتی کشورهای دیگر اعمال می شود (مقصودی، ۱۳۹۷، ۴۴).

بنابراین هر چند قاعده صلاحیت اضطراری نشان دهنده یک رویکرد انعطاف پذیر در حقوق بین الملل است که می تواند به تأمین عدالت تحت شرایط خاص کمک کند اما در عین حال، نیاز به شفافیت بیشتری در تعیین شرایط و الزامات این نوع صلاحیت وجود دارد تا سوء استفاده های احتمالی به حداقل برسد.

امروزه به موازات توسعه روابط خصوصی بین المللی، برحجم قراردادهای تجاری بین المللی افزوده شده و بخش زیادی از وقت دادگاهها در کشورهای مختلف، مصروف تفسیر و اعمال شروط مفصل مندرج در این قراردادها می شود. در میان این شروط مفصل و متعدد مندرج در قراردادها، شرط توافق بردادگاه صالح نیز رواج دارد (مجدکابری وانصاری، ۱۳۹۹، ۳۴۴).

توافق صلاحیت دادگاه توافقی است که به موجب آن، طرفین از میان دادگاههای کشورهای مختلف، دادگاههای یک یا چند کشور معین را که علی الاصول، صلاحیت رسیدگی به اختلاف آنها ندارد، برای رسیدگی به دعاوی موجود یا آتی که ممکن است از رابطه حقوقی آنها ناشی شود، انتخاب می کنند. بر این اساس برخلاف شرط داوری که رسیدگی به دعوا به قضات خصوصی محول می شود، شرط صلاحیت دادگاه، قضات دولتی را برای رسیدگی و صدور حکم، صالح می داند (مجدکابری وانصاری، ۱۳۹۹، ۳۴۵).

اگرچه قواعد صلاحیت دادگاهها در ایران از قواعد امری است و اصولاً پذیرفته نمی شود که طرفین بتوانند با توافق خود به دادگاهی که صلاحیت ندارد صلاحیت بدهند یا از دادگاهی که صلاحیت دارد سلب صلاحیت کنند، اما با کمال تعجب مشاهده می کنیم که شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران، در رأی ۱۳۹۲/۲/۳۰، بی آنکه مقرره ای در قانون برای پذیرش شرط تعیین انتخاب دادگاه پیش بینی شده باشد، در مورد قرارداد بین یک ایرانی و یک تبعه آلمانی که در آن دادگاه برلین به عنوان دادگاه صلاحیتدار شناخته شده، دعوا را قابل استماع ندانسته ورد کرده است. رأی دادگاه چنین است: "در خصوص دعوی شرکت الف. الف. ف. (سهامی خاص) به طرفیت خوانده ان. جی، با وکالت آقای الف. ش. و خانم ش. م. به خواسته اعلام بطلان قرارداد مورخ ۲۰۰۵/۳/۲۴، که به دلیل مخالفت با قوانین آمره آن را اقامه نمودند، دادگاه بدون ورود در ماهیت دعوا به این استدلال که ماده ۹۶۸ از قانون مدنی در باب تعهدات حاصل از عقود می باشد و ارتباطی به توافق طرفین در مورد مراجعه به حل اختلاف ندارد و تمسک به قوانین ملی نباید مخالف با نظم نوین بین المللی باشد و قرارداد فوق الذکر نیز بایک تبعه آلمانی منعقد شده است و با وجود عنصر خارجی، دعوی بین المللی محسوب می شود و در ماده ۱۱ قرارداد فوق الذکر، طرفین به صراحت توافق نموده اند که هرگونه اختلاف ناشی از این قرارداد در دادگاه واجد شرایط برلین مورد رسیدگی قرار گیرد و این که اساساً این قرارداد نیز صحیح یا باطل می باشد در صلاحیت دادگاه اخیر الذکر است، در نتیجه دادگاه با استناد به ماده ۲ قانون این دادرسی مدنی و ماده ۱۰ قانون مدنی، دعوی خواهان را در دادگاه ایرانی قابل استماع نمی داند و قرار رد آن را صادر و اعلام می دارد". این رأی در دادگاه تجدیدنظر نیز مورد تایید قرار گرفته است.<sup>۳</sup>

از متن رأی چنین برمی آید که خواهان از دادگاه درخواست نموده تا قراردادی را که با طرف آلمانی امضا کرده به دلیل مخالفت با قوانین آمره باطل اعلام نماید. دادگاه به استناد این که در ماده ۱ قرارداد، مقرر شده که "هرگونه اختلاف ناشی از قرارداد در دادگاه واجد شرایط برلین مورد رسیدگی قرار گیرد"، نتیجه گرفته است که موضوع در صلاحیت دادگاه ایران نیست و بنابراین صحت یا بطلان قرارداد نیز در صلاحیت دادگاه برلین است؛ اما حق این است که بر اساس مقررات کنونی نظام حقوقی ایران، دادگاه ایران نمی تواند به شایستگی دادگاه خارجی، قرار عدم استماع دعوا صادر کند، بلکه باید در صورت ارتباط دعوا با ایران، به آن رسیدگی کند.

در عین حال باید خاطر نشان کنیم که در سالهای اخیر موافقت نامه هایی پیرامون همکاری قضایی بین ایران و برخی دولتها امضا و تصویب شده است که در آنها به توافق طرفین برای تعیین دادگاه صلاحیت دار بها داده شده است. مثلاً در بند ۲ ماده ۱۹ موافقت نامه معاضدت قضایی میان ایران و آذربایجان چنین آمده است: "۲- دادگاههای طرفین می توانند به مورد دیگری نیز با توافق کتبی اصحاب دعوا رسیدگی کنند، مشروط بر این که موضوع توافق، راجع به صلاحیتهای خاص هریک از دادگاههای طرفین نبوده و قوانین داخلی آنها نیز آن را مجاز بشناسند و همچنین دادگاه، وقتی می تولد رسیدگی را در این مورد متوقف کند که وارد ماهیت نشده و خواننده نیز توافق کتبی را قبل از ورود در ماهیت به دادگاه تسلیم کرده باشد".<sup>۵</sup>

در تفسیر این ماده باید گفت: اول این که منظور از "مورد دیگری"، با توجه به بند ۱ همان ماده ۱، اموری غیر از امور مدنی و خانوادگی است. دوم این که منظور از اصحاب دعوا طرفینی هستند که یکی از آنها ایرانی و دیگری تبعه آذربایجان است؛ زیرا موافقتنامه مربوط به دولتهای ایران و آذربایجان است و از سایر مواد، به ویژه ماده ۱ موافقتنامه نیز همین برداشت می شود. سوم این که منظور از "صلاحیتهای خاص"، صلاحیتهای انحصاری است. بنابراین، جز در مواردی که قوانین داخلی طرفین موضوعاتی را در صلاحیت انحصاری دادگاههای داخلی بدانند، طرفین می توانند توافق کنند که دعوی خود را در نزد دادگاههای ایران یا آذربایجان مطرح کنند. اما منظور از این که "قوانین داخلی نیز آن را مجاز بشمارد"، می تواند این باشد که اختیار انتخاب دادگاه، در قوانین داخلی با ممنوعیت کلی مواجه نباشد.

شبهه به همین ماده، البته بدون قید قوانین داخلی در بند ۲ ماده ۲۱ موافقتنامه بین ایران و روسیه نیز وجود دارد: "۲- دادگاههای طرفین متعاهد به موارد دیگری هم، بشرط وجود توافق کتبی طرفین اختلاف رسیدگی می کنند. در صورتی که مدعی علیه، قبل از دفاع

درماهیت دعوا، وجود توافق کتبی را اعلام نماید، دادگاه بنابه درخواست وی محاکمه راقطع می نماید. صلاحیت استثنایی دادگاهها نمی تواند بنابه توافق طرفین تغییر یابد.<sup>۷</sup>

همچنین در ماده ۳۳ موافقتنامه بین ایران و سوریه چنین آمده است: "۱- دادگاههای کشوری که به رسمیت شناختن حکم آنها درخواست شده، در صورتی طبق مفاد این موافقتنامه صلاحیت دار شناخته می شوند که: ... پ- موضوع به قراردادی مربوط شود که طرفها صراحتاً نسبت به صلاحیت دادگاه توافق کرده باشند یا تعهد به انجام قرارداد مربوط به این نزاع، در آن کشور اجرا شده یا به طور کلی یا جزئی در آن لازم الاجرا باشد."<sup>۸</sup>

در بند ۲ ماده ۱۸ موافقتنامه بین ایران و قرقیزستان نیز چنین آمده است: "۲- دادگاههای طرفهای متعاهد به موارد دیگری هم به شرط وجود توافق کتبی طرفین اختلاف رسیدگی می کنند. در صورتی که خواننده قبل از دفاع در ماهیت دعوا وجود توافق کتبی را اعلام نماید، دادگاه به درخواست وی دعوا را متوقف می نماید. صلاحیت انحصاری دادگاهها نمی تواند بنابه توافق طرفین تغییر یابد."<sup>۹</sup>

همچنین بند ۲ ماده ۲۱ موافقتنامه با قزاقستان چنین مقرر کرده است: "۳- در موارد دیگر، دادگاههای طرفهای متعاهد می توانند به مورد دیگری نیز با توافق کتبی طرفهای متعاهد رسیدگی کنند. در صورت توافق دادگاه پس از درخواست خواهان، در صورتی که درخواست قبل از ارایه هرگونه اعتراض نسبت به دعوا انجام شده باشد، تشریفات قانونی را متوقف می کند. صلاحیتهای انحصاری دادگاهها با توافق طرفهای متعاهد قابل تغییر نیست."<sup>۱۰</sup>

ماده ۱۹ موافقتنامه با امارات نیز اینگونه مقرر می کند: "در موضوعاتی که به مواردی بجز اموال غیر منقول مربوط می شوند، دادگاههای طرفین در موارد زیر دارای صلاحیت خواهند بود: ... ج- یا توسط توافقی به هر شکل میان خواهان و خوانده، در مورد تعهدات قراردادی که به دعوا منتهی شده اند وجود داشته باشد یا این که تعهدات در قلمرو آن طرف اجرا شده و یا باید اجرا شوند." (شریعت باقری، ۱۳۹۵، ۱۶۱-۱۵۷).

با توجه به مواردی که بیان گردید بنظر میرسد توافق صلاحیت از اصول اساسی روابط تجاری بین المللی است و باید بطور جدی تری در حقوق داخلی مامورد توجه قرار گیرد.

#### ۶-۱۰) قواعد مربوط به حقوق خانواده

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱، از یک سو جهت رعایت حال اتباع ایرانی مقیم در کشورهای خارجی و از سوی دیگر جهت توسعه بخشیدن به صلاحیت دادگاههای

ایران، مقررات خاصی رادرمورد صلاحیت دادگاههای ایران وضع نموده است که باقوانین دادرسی مدنی تفاوت هایی دارد(ارفع نیا، ۱۳۹۷، ۲۲۷).

ماده ۶ قانون مدنی ایران، ایرانیان مقیم خارج را از حیث طلاق، مطیع قانون ایران شناخته است(الماسی، ۱۳۸۴، ۱۷۶)؛ بعلاوه فقط شرایط ماهوی طلاق، تابع قانون دولت متبوع شخص است. قانون حمایت خانواده، پس از این که در بند ۹ ماده ۴، رسیدگی به دعاوی مربوط به طلاق رادصلاحیت دادگاه خانواده دانسته، در ماده ۴ اعلام داشته است: "هرگاه یکی از زوجین، مقیم خارج ازکشور باشد، دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران اقامت دارد، برای رسیدگی صالح است..." و در این خصوص صراحتاً روی صلاحیت دادگاه ایران صحه گذارده است. سپس در همین ماده اعلام نموده که اگر زوجین، هر دو مقیم خارج ازکشور باشند، ولی یکی از آنان در ایران سکونت موقت داشته باشد، دادگاه محل سکونت فرد ساکن ایران، صلاحیت رسیدگی دارد و در این حالت فرقی نمی کند که شخصی که در ایران سکونت موقت دارد، خواهان باشد یا خوانده، در حالیکه این موارد در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی فقط در مورد اقامت، سکونت یا سکونت موقت خوانده ذکر شده است.

علاوه بر این در ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده، به زوجه اجازه داده شده که در محل سکونت خود نیز طرح دعوا نماید: "در دعاوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوا کند مگر در موردی که خواسته مطالبه مهریه غیر منقول باشد".

همچنین قانونگذار برای وسعت بخشیدن بیشتر به صلاحیت دادگاه ایران پارافرا تر نهاد و در قسمت اخیر ماده ۴ اعلام می دارد: "هرگاه هیچ یک از زوجین در ایران سکونت نداشته باشند، دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی دارد، مگر آنکه زوجین برای اقامه دعوا در محل دیگر توافق کنند". لذا بنظر می رسد در این قانون از نظر رسیدگی و صلاحیت دادگاه، مقررات خاصی، متفاوت از مقررات معمول در زمینه صلاحیت دادگاهها در نظر گرفته شده، به نحوی که حتی به زوجین اجازه داده که برای طرح دعوا در مورد صلاحیت دادگاه بایکدیگر توافق نمایند. با توجه به کل ماده ۴ قانون حمایت خانواده، بنظر می رسد که قانونگذار به نحوی تابعیت ایرانی را به منزله ضابطه ای برای تعیین صلاحیت دادگاه ایران در دعاوی بین زوجین در نظر گرفته است(ارفع نیا، ۱۳۹۷، ۲۲۹-۲۳۱).

بنظر می رسد که هر چند قانون حمایت خانواده نشان دهنده توجه لازم به شرایط جدید و تغییرات اجتماعی است، با این حال، ایجاد توازن مناسب بین حقوق خانواده و

الزامات دادرسی بین‌المللی نیازه بازنگری‌های جدی در قوانین دارد تا بتواند به واقعیت‌های فعلی پاسخ دهد.

#### ۷-۱۰) قاعده صلاحیت انحصاری محلی دادگاه تهران

قانونگذار در پاره‌ای از موارد، رسیدگی به برخی دعاوی بین‌المللی را در صلاحیت انحصاری دادگاه تهران قرار داده است که بشرح ذیل می‌باشند:

الف- برابرماده ۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹، هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذینفع، مقیم خارج از کشور باشد، رسیدگی در صلاحیت دادگاه محل صدور سند است و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو خارج از کشور باشد، در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان تهران خواهد بود.

ب- طرح دعا علیه دولتهای خارجی برابرقانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران مصوبه ۱۸ / ۸ / ۱۳۷۸ در دادگاههای عمومی تهران به عمل می‌آید.

پ- برابرماده ۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ انجام وظایف نظارتی مقرر در این قانون، بر عهده دادگاه عمومی واقع در مرکز استانی است که مقرر داوری در آن قرارداد و تا زمانی که مقرر داوری مشخص نشده، به عهده دادگاه عمومی تهران است.

ت- برابرماده ۱۷۰ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ مرجع صدور اجرائیه، در اجرای احکام مدنی صادر شده از دادگاههای خارجی، دادگاه محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه است و اگر در ایران محل سکونت و اقامت محکوم علیه مشخص نباشد، دادگاه تهران صلاحیت دارد.

ث- برابرماده ۴۹ قانون امور حسبی، هرگاه محجور در خارج از ایران اقامت یا سکنا داشته باشد امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستان تهران است.

ج- برابرماده ۲۲۸ قانون مدنی، نصب قیم موقت برای ایرانیان مقیم یا ساکن در خارج از ایران، بر عهده کنسول ایران و یا جانشین وی می‌باشد و باید پس از نصب قیم مدارک مربوط را ظرف ۱۰ روز بوسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستد. "نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه مدنی خاص تهران، تصمیم کنسول یا جانشین او را تنفیذ کند." مشابه همین ماده درباره نصب امین موقت اموال در ماده ۱۴ قانون امور حسبی مقرر شده است (شاه حیدری پور، ۱۳۹۶، ۱۷۸-۱۷۷).

باتوجه به مواردی که بیان گردید، صلاحیت انحصاری محلی تهران در زمینه‌های خاص، به رغم اینکه در جهت حمایت از حقوق اتباع ایرانی بنظر می‌رسد، اما ممکن است منجر به

تخصیص حقوق دیگران نیز شود. لذا لازم است که برقراری این نوع صلاحیت‌ها با مشورت و همکاری بین‌المللی همراه باشد.

### 8-10) دادگاه صالح در دعاوی ناشی از تعهدات غیر قراردادی

حاکمیت قاعده صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده اساساً در تعهدات قراردادی و غیر قراردادی یکسان می باشد. برخی از نویسندگان در مواردی که خواننده دعوا اشخاص حقوقی می باشند، در دعاوی مربوط به تعهدات غیر قراردادی، به استناد ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، معتقدند که صرفاً دادگاه محل اقامت شخص حقوقی صالح می باشد (ابهری و برزگر، ۱۳۹۰، ۱۷۰-۱۷۱).

در ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی، قانونگذار در کنار اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده، دادگاه محل انعقاد و اجرای تعهد را نیز صالح دانسته است. در تعهدات غیر قراردادی چنین صلاحیتی برای دادگاه پیش بینی نشده است. از منظر حقوق داخلی باید بنا بر ابراهام همان اصل یاد شده در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی نهاد، اما از نظر بین المللی، قانونگذار در ماده ۹۷۱ قانون مدنی، نزاکت بین المللی را نسبت به حاکمیت دیگر دولت‌ها پذیرفته مقرر داشته است: "دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات، تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می شود". در ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی نیز تشخیص صلاحیت داشتن یا نداشتن هر دادگاه بر عهده همان دادگاه است. بنابراین، در روابط بین المللی، صلاحیت محاکم هر کشوری به حاکمیت و اقتدار آن دولت معطوف می گردد و در حقوق داخلی، مفاد ماده ۲۶ قانون یاد شده نسبت به حکم ماده ۹۷۱ قانون مدنی، بویژه در دعاوی راجع به تعهدات غیر قراردادی که در حقوق ایران مطرح می گردد، حاکمیت دارد. با وجود این، در دعاوی راجع به مسئولیت مدنی، هر چند قانونگذار، قاعده را در ماده ۱۱ محدود به صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده نموده است، در مواردی ضرورت امر، طرح دعوا در محل دیگری را اقتضای منافع خواهان به نحو شایسته تامین گردد. پس باید در صدد تعیین و شناسایی معیارهای جدیدی بود که نظریه اخیر را تقویت نماید.

عامل ارتباط در دعاوی مسئولیت مدنی می تواند محل وقوع حادثه، محل وقوع خسارت و محل اقامت مصرف کننده یا زیان دیده باشد (مافی و حسینی مقدم، ۱۳۹۶، ۳۰۰-۲۹۹). در ادامه با بررسی عوامل ارتباط دعاوی با مسئولیت مدنی، سعی می نمایم از بین قوانین موجود در حقوق ایران، قواعد خاصی را در این خصوص بیابیم.

### ۱-۸-۱) صلاحیت دادگاه محل اقامت زیان دیده یا مصرف کننده

اگر خواهان دعوی مسئولیت مدنی بخواهد در محل اقامت خود اقامه دعوا نماید، چند فرضیه به ذهن می رسد:

الف- حضور خواننده در ایران بدون داشتن اقامتگاه، محل سکونت یا مال غیر منقول: اگر با وجود حضور عامل ورود زیان در ایران و انجام فعل زیان بار، هیچ یک از معیارهای یاد شده برای طرح دعوای علیه وی وجود نداشته باشد، خواهان به موجب اختیار یاد شده در بخش پایانی ماده ۱۱ می تواند در دادگاه محل اقامت خویش طرح دعوا نماید. ابلاغ اوراق قضایی نیز به دلیل مجهول مکان بودن خواننده، برابرماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی باید به وسیله انتشار آگهی به عمل آید.

اصولاً دادگاه به دوشیوه ممکن است پی به عدم صلاحیت خود برده، قرار عدم صلاحیت صادر نماید. بدیهی ترین شیوه آن است که خواننده ای که مجهول مکان اعلام شد در جلسه نخستین رسیدگی، از موضوع دعوا مطلع و با طرح ایراد عدم صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان، نشانی اقامتگاه و یا محل سکونت یا مال غیر منقول خویش را اعلام کند و در پی آن یکی از دادگاههای پیش گفته، صلاحیت رسیدگی خواهد داشت (زراعت، ۱۳۸۹، ۱۰۷). روش دیگر آن است که دادگاه، به موجب ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی، را ساحب اسناد و مدارک تقدیمی از سوی خواهان، صلاحیت مرجع دیگری را احراز نمایند.

ب- عدم حضور خواننده در ایران و نداشتن اقامتگاه، محل سکونت و مال غیر منقول: در این فرض ظاهر بر اساس اطلاق ماده ۱۱ و بویژه حکم ماده ۹۷۱ قانون مدنی، هیچگونه محدودیتی برای صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان وجود ندارد؛ اما معیار و مبنای فعلی تعیین صلاحیت دادگاه ملی نسبت به موضوعاتی که جنبه بین المللی دارند، با قواعد پذیرفته شده در مقررهای بین المللی کاملاً منطبق نیست. عده ای به دلیل اینکه ماده ۹۷۱ قانون مدنی برای پرهیز از صدور احکام معارض، نسبت به دعوی که ممکن است از سوی دودادگاه درد و کشور مختلف رسیدگی گردد، راهکاری به دست نداده است به انتقاد برخاستند (سلجوقی، ۱۳۸۷، ۴۹۷). البته این انتقاد به نظر وارد نیست؛ زیرا بند ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، یکی از شرایط اجرای حکم صادره از دادگاههای خارجی را به عدم تعارض با حکم دادگاههای ایران در خصوص همان موضوع وابسته دانسته است (مافی وقادری، ۱۳۹۱، ۱۹۶). برخی دیگر نیز تعیین صلاحیت بین المللی بر مبنای اقامتگاه خواهان در حقوق ایران را نادرست و ناستوار تلقی نموده اند، زیرا اجرای رای را بر اساس صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان در کشور محکوم علیه ناممکن انگاشته، بر اقامه دعوا در کشور محل اقامت خواننده تاکید می نمایند. در عین حال، نویسندگان دیگر نیز اعمال ماده ۹۷۱ قانون مدنی را مخالف با حسن روابط بین المللی دانسته اند

و پذیرش ایراد اربابنی بر اینکه دعوا در دادگاه خارجی در حال رسیدگی است، مفید می داند؛ زیرا در زمانی که دادگاه خارجی نسبت به کشوری که دعوایه طورثانی در آنجا طرح شده، دارای صلاحیت است، می توان حکم صادره از آن دادگاه خارجی را اجرا نمود (صفایی، ۱۳۹۳، ۲۱۰). پس اینگونه نیست که از مفاد ماده ۹۷۱، صلاحیت مطلق دادگاههای ایران در دعاوی بین المللی به آسانی برآید و رعایت مواردی که از آن به عنوان عامل ارتباط اساسی یاد گردید، به نظر ضروری خواهد بود. برخی نویسندگان به صراحت در دعاوی راجع به جبران خسارت ناشی از مسئولیت مدنی کالا، در فرضی که دعوا در جریان رسیدگی در دادگاه خارجی، به حال زیان دیده مساعدتر تلقی می شود، عقیده دارند که دادگاه ایرانی باید از رسیدگی به دعوا خودداری ورزد (جعفری تبار، ۱۳۸۹، ۲۲۱). در وضعیت کنونی، معیارهای صلاحیتی پاسخگوی نیاز جامعه نیست و نمی توان به حکم ماده ۹۷۱ قانون مدنی و یا مفاد ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی مبنی بر اجازه اقامه دعوی خواهان در محل اقامتش بسنده نمود و دعوای اعلیه خولنده ای طرح کرد که در دادگاههای ایران نه تنها دارای اقامتگاه، محل سکونت یا مال غیر منقول نیست، بلکه حضور هم ندارد؛ مگر آن که همانند دیگر کشورها و یا آنچه در مقررهای حاکم در نظام حقوقی اتحادیه اروپا آمده است، ملاکی از قبیل صلاحیت دادگاه محل وقوع حادثه، محل ورود خسارت، محل اقامت زیان دیده، محل ایجاد علل اختلاف یا محل اقامت مصرف کننده نیز بر معیارهای فعلی صلاحیتی دادگاههای ایران افزوده شود. در این صورت رسیدگی به دعوا در محاکم ایران علیه خواننده به دلیل انطباق رای صادره با قواعد عام و پذیرفته شده در میان بیشتر کشورهای جهان، امکان اجرای آن را در کشور محل اقامت واقعی خواننده در خارج از ایران میسر خواهد ساخت.

پ- عدم حضور خواهان و خواننده در ایران و نداشتن اقامت، سکونت و مال غیر منقول: اگر خواهان در ایران اقامتگاه نداشته باشد، اگرچه در ایران سکونت موقت، مال غیر منقول و یا حضور داشته باشد و یا در برابر خواننده دعوائی دارای هیچ یک از شرایط یاد شده برای طرح دعوی اعلیه وی در ایران نباشد، در این صورت به گمان برخی از نویسندگان، با آن که ترافع قضایی از حقوق بیگانگان است، محاکم ایران برای رسیدگی به این قبیل دعاوی صالح نیستند. این مشکل از نقص قانون ایران در رایبه معیار مناسب برای تعیین صلاحیت دادگاهها نشات می گیرد؛ در حلی که هیچ ملنعی وجود نخواهد داشت تا دادگاههای ایران نسبت به دعوی دوتبعه بیگانه در تعهدات غیر قراردادی که منشأ بروز اختلاف به عنوان یک عامل ارتباط، در قلمرو صلاحیت محاکم ایران واقع گردیده، دارای صلاحیت برای رسیدگی تلقی شوند (مافی و حسینی مقدم، ۱۳۹۶، ۳۰۳-۳۰۴).

## ۲-۸-۱۰) صلاحیت دادگاه محل وقوع خسارت

در بسیاری از موارد در پی بروز یک واقعه حقوقی، خسارتی به اشخاص وارد می‌آید که برای آن، همیشه دادگاه محل اقامت خوانده و یا دادگاه‌های جایگزین بر شمرده شده، عملاً دادگاه مناسبی به حال زیان دیده نخواهد بود. در حقوق کنونی ایران به طور صریح معیار خاص و معین، مانند صلاحیت دادگاه محل وقوع خسارت پیش‌بینی نشده است؛ اما با استقرار قوانین می‌توان به طور پراکنده مواردی را یافت که دادگاه‌های دیگر به جز دادگاه محل اقامت خوانده، عملاً صلاحیت رسیدگی به دعوی مسئولیت مدنی را بر اساس همان عامل ارتباط بین سبب اختلاف و منشا ایجاد حق با دادگاه رسیدگی کننده دارا می‌باشند (مافی و حسینی مقدم، ۱۳۹۶، ۳۰۷)؛ مثلاً در ماده ۳۴ موافقتنامه همکاری قضایی بین ایران و روسیه مصوب ۱۳۷۸، محل وقوع خسارت، هم از جهت تعیین دادگاه صالح و هم از نظر تعیین قانون حاکم به عنوان یک عامل ارتباط، مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. با این وصف، هر چند در قوانین جدید ایران از جمله قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۵ / ۷ / ۸۸ و قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶، به جهت حمایت از مصرف کننده، امکان طرح دعوا در محل وقوع خسارت مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است ولی زمینه و قابلیت لازم برای اصلاح ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی برای توسعه قلمرو صلاحیت دادگاه‌ها با تعیین معیارهای جدید بر شمرده فوق وجود دارد (مافی و ادبی فیروزجایی، ۱۳۹۳، ۵۹). در ادامه، دو مورد از موضوعات مبتلا به یعنی صلاحیت دادگاه محل وقوع خسارت در جرایم و مسئولیت مدنی نسبت به مال غیر منقول را بررسی می‌نماییم.

الف- صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم: نویسندگان حقوقی در کنار عناوینی که از آن به عنوان الزامات خارج از قرارداد نام برده می‌شود، ملئند لتلاف و تسبیب، جرم رانی از دیگر مواردی می‌دانند که بعضی از مصادیق آن می‌تواند سبب ورود خسارت به دیگری گردد و در زمره اسباب مسئولیت مدنی باشد؛ زیرا برخی از جرایم از قبیل سرقت، تخریب، افزون بر نقض نظم عمومی و یلتجاوز به حریم خصوصی اشخاص، ضرر و زیان نیز بر مبنای عمده تحمیل می‌نمایند (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۴۱؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰، ۶۱). ضرر و زیان می‌تواند استفاده از مال و یا ایراد عیب و نقص و یا از بین بردن عین مال به وسیله هر نوع عملی اعم از تلف، تسبیب، تخریب و احتراق باشد. در این موارد قانونگذار در مواد کیفری پراکنده مانند مواد ۶۸۶، ۵۹۸، ۵۵۸ و ۶۸۹ قانون مجازات اسلامی، مجرم را مکلف به جبران خسارت وارده بر اشخاص دانسته است. این وضع در مواد ۱۶، ۱۵، ۱۴ و ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز تصریح شده است. ارتباط بین جرم و خسارت حاصله، قانونگذار را بر آن داشت تا اجازه دهد دادگاه

کیفری برخلاف صلاحیت ذاتی خویش به امر حقوقی نیز رسیدگی نماید. قانونگذار صرفاً به همان عامل ارتباط اساسی بین جرم و خسارت توجه داشته و از قاعده صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان و یا تفکیک صلاحیت ذاتی میان دادگاه حقوقی و کیفری چشم پوشی کرده است و این روش منطقی بنظر می رسد.

ب- صلاحیت دادگاه در دعوی مسئولیت مدنی نسبت به مال غیر منقول: همانگونه که پیشتر بیان گردید ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی، رسیدگی به دعاوی در خصوص اموال غیر منقول را در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال قرار داده است. به موجب رای وحدت رویه<sup>۱۱</sup> شماره ۳۱ مورخ ۵ آذر ۱۳۶۳ بین دعاوی مطالبه وجوه ناشی از عقود و قراردادها با مطالبه وجوه واجرت المثل ناشی از غیر عقود و قراردادها، در اموال غیر منقول باید قایل به تفصیل شد و دعاوی دسته اول را منطوقاً از حیث صلاحیت محاکم، در حکم منقول و دعاوی قسمت دوم را مفهوماً راجع به غیر منقول دانست و در نتیجه باید در دادگاه محل وقوع مال غیر منقول اقامه دعوا نمود.

اموال غیر منقول نیز حسب مورد ممکن است موضوع ضمان قهری واقع و در پی آن خسارتی بر آن مال وارد شود؛ مانند غصب مال غیر منقول که غاصب، مکلف به بازگرداندن عین مال، جبران خسارت ناشی از نقص و عیب و تادیبه اجرت المثل خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۳۴۷). در این مورد تعیین میزان خسارت وارده و یا هزینه های انجام شده که به شکل تعهدات غیر قراردادی، پرداخت آن بر عهده غاصب قرار می گیرد، الزاماً باید خسارات وارده و هزینه های انجام شده با بررسی مال غیر منقول صورت پذیرد. از این نظر میزان دخالت و نقش مال غیر منقول به عنوان یک عامل ارتباط اساسی بر خسارات وارده دارای اهمیت است که این موضوع مهم می تواند در سایر اموال منقول به شیوه دیگری بر اساس اوضاع و احوال محل وقوع حادثه و یا محل بروز خسارت، در رسیدگی به دعوی مسئولیت مدنی به عنوان معیار در نظر گرفته شود (مافی و حسینی مقدم، ۱۳۹۶، ۳۱۰-۳۰۹).

نکات مطرح شده در این بخش قابل توجه است و باید به دقت بررسی شود که چگونه باید روش های جدید و کارآمدی برای تعیین صلاحیت دادگاه ها در دعاوی نه تنها بر اساس تعهدات قراردادی بلکه غیر قراردادی تعریف شود. پیشرفت های حقوقی بایلیه نفع انطباق بانیازهای روز افزون جامعه باشد.

## نتیجه گیری و پیشنهادات:

این مقاله به بررسی قواعد خاص صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در حقوق ایران پرداخت. با بررسی قوانین داخلی و معاهدات بین‌المللی، مشخص شد که قواعد خاصی در حقوق ایران وجود دارد که می‌توانند در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در امور مدنی مورد استفاده قرار گیرند.

برخی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش عبارتند از:

۱- قواعد صلاحیت محلی در حقوق ایران، مانند صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده، محل سکونت خواننده و محل وقوع مال غیرمنقول، می‌توانند در دعاوی بین‌المللی نیز اعمال شوند.

۲- در برخی قوانین و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که ایران به آن‌ها پیوسته است، می‌توان مواردی از قواعد خاص صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، مانند امر مطروح، صلاحیت اضطراری و توافق صلاحیت را یافت.

با توجه به یافته‌های این تحقیق، پیشنهاد می‌شود که:

۱- قانون‌گذار ایران به تدوین قواعد خاص و مدون در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها اقدام کند تا ابهامات موجود در این زمینه برطرف شود.

۲- در تفسیر قوانین موجود، به رویه بین‌المللی و اصول حقوقی شناخته‌شده در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها توجه شود.

۳- به منظور ایجاد وحدت رویه در محاکم، دیوان عالی کشور نسبت به صدور آرای وحدت رویه در زمینه مسائل مربوط به صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها اقدام نماید.

۴- قضات و حقوقدانان ایرانی با مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی دیگر، با قواعد و اصول نوین در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها آشنا شوند.

۵- قواعد مربوط به توافق صلاحیت و صلاحیت اضطراری در حقوق ایران به رسمیت شناخته شده و سازوکارهای اعمال آن‌ها مشخص گردد.

در نهایت، تدوین و اعمال قواعد روشن و کارآمد در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، نقش مهمی در تسهیل دادرسی، حفظ حقوق اصحاب دعا و توسعه روابط حقوقی بین‌المللی خواهد داشت.

۱-ماندبندهای سه گانه ماده ۹۶۱ قانون مدنی یادمواردی که به موجب الحاق ایران به کنوانسیونهای بین المللی، دادگاه ایرانی صالح می باشد.

۲-ماده ۱: "...موارد موضوع این ماده عبارت است از: الف- خسارات ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولتهای خارجی در داخل یا خارج ایران که مغایر با حقوق بین الملل است و منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر روزیان مالی اشخاص می گردد. ب- خسارات ناشی از اقدام و یا فعالیت اشخاص یا گروههای وحشت افکن (تروریستی) در داخل یا خارج ایران که دولت خارجی آنها را تشویق یا از آنها حمایت می نماید و یا اجازه اقامت یا تردد و یا فعالیت در قلمرو حاکمیت خود را به آنها می دهد و اقدامات مذکور منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر روزیان مالی می شود..."

۳- رأی شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۴- آلمان در میان آنها نیست.

۵- قانون موافقتنامه معاضدت قضائی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان، مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸

۶- بند ۱: "دادگاههای هریک از طرفین، در صورتی حق دارند به امور مدنی و خانوادگی رسیدگی کنند که خوانده در حوزه آن اقامت داشته باشد؛ مگر آن که در این موافقتنامه خلاف آن مقرر شده باشد و در مورد اشخاص حقوقی، دادگاه وقتی رسیدگی خواهد کرد که شخص حقوقی در حوزه آن دارای مرکز اصلی، نمایندگی یا شعبه باشد."

۷- قانون موافقتنامه میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده های مدنی و جزایی مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸

۸- قانون موافقتنامه همکاری قضایی در زمینه های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصی، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه حامیان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه، مصوب ۱۳۸۰/۸/۳۰

۹- قانون موافقتنامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و جزایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴

۱۰- قانون موافقتنامه معاضدت و روابط قضایی در موضوعات مدنی و جزایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان مصوب ۱۳۷۴/۷/۲۶

۱۱- برای ملاحظه عین رای وحدت رویه شماره ۳۱ مورخ ۵ آذر ۱۳۶۳ ر.ک. شمس، ۱۳۹۲،  
ص ۱۶۸

## منابع

- ابهری، حمید و برزگر، محمدرضا، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، بابلسر: نشر دانشگاه مازندران، ۱۳۹۰
- ارفع نیا، بهشید، حقوق بین الملل خصوصی (تعارض دادگاه ها)، جلد سوم، تهران: نشر بهتاب، ۱۳۹۱
- ارفع نیا، بهشید، "صلاحیت دادگاههای ایران در طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور"، مجله تحقیقات حقوقی بین المللی، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، شماره چهل و یک، ۱۳۹۷
- الماسی، نجادعلی، حقوق بین الملل خصوصی تعارض قوانین، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۴
- جعفری تبار، حسن، مسئولیت مدنی کالاها، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۹
- خمایی زاده، فرهاد، "عدم قابلیت اجرای قانون خارجی صلاحیت دار به هنگام اضطرار"، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، دوره هفتم، شماره سی و نهم، ۱۳۸۳
- زراعت، عباس، محشای قانون آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۹
- سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، جلد دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۷
- شاه حیدری پور، محمدعلی، صلاحیت دادگاه - مطالعه حقوق ایران و تطبیق با حقوق انگلستان، تهران: انتشارات فکرسازان، ۱۳۹۶
- شریعت باقری، محمدجواد، حقوق بین الملل خصوصی، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵
- شیخ الاسلامی، محسن، حقوق بین الملل خصوصی، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، جلد اول، تهران: دراک، ۱۳۹۲
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، جلد دوم، تهران: دراک، ۱۳۸۹
- صفایی، حسین و رحیمی، حبیب الله، مسئولیت مدنی، تهران: سمت، ۱۳۹۰
- صفایی، حسین، مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳

-ظاهری، علیرضا، "تحولات قاعده مصونیت دولت؛ تاثیر قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران و قانون مبارزه با تروریسم ایالات متحده امریکا، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران"، دوره بیست و یک، شماره سی ام، ۱۳۸۳

-عبداللهی، محسن و شافع، میرشهبیز، مصونیت قضایی دولت در حقوق بین الملل، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۲

-غمامی، مجید و محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فراملی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰

-کاتوزیان، ناصر، الزامات خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱

-مافی، همایون و ادبی فیروزجایی، رشید، "صلاحیت دادگاههای ایران در قلمرو حقوق بین الملل خصوصی"، مجله دانش حقوق مدنی، سال سوم، شماره دوم، ۱۳۹۳

-مافی، همایون و حسینی مقدم، سید حسن، "دادگاه صالح در حل و فصل اختلافات ناشی از تعهدات غیر قراردادی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا"، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره هشتم، شماره یک، ۱۳۹۶

-مافی، همایون و قادری، نسبی، شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران؛ ارجنامه دکتر الماسی، به کوشش حسن محسنی، تهران: سهامی انتشار، ۱۳۹۱

-متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۱

-مجد کابری، محمد، انصاری، اعظم، "امکان سنجی توافق بر سلب صلاحیت بین المللی دادگاهها در حقوق ایران"، مجله حقوقی بین المللی (مرکز امور حقوقی و بین المللی ریاست جمهوری)، دوره سی و هفتم، شماره شصت و سوم، ۱۳۹۹

-مقصودی، رضا، "موانع اعمال صلاحیت در حقوق بین الملل خصوصی، مجله علمی - پژوهشی حقوق خصوصی"، دوره نهم، شماره اول، ۱۳۹۱

-مقصودی، رضا، "صلاحیت اضطراری در حقوق بین الملل خصوصی"، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دوره بیست و یکم، شماره هشتاد و سه، ۱۳۹۷

-مقصودی، رضا، "صلاحیت قضایی در حقوق بین الملل خصوصی"، مجله حقوقی بین المللی، دوره سی و چهارم، شماره پنجاه و شش، ۱۳۹۶

-نظریه شماره ۷/۴۰۴۲ - ۴/۲۴ / ۱۳۶۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی، جلد نخست، تهران: روزنامه رسمی کشور، ۱۳۸۴

استناد:

برخوردار تیموری، سیمین دخت، ارفع نیا، بهشید، الماسی، نجادعلی. قواعد و سیاست خاص صلاحیت بین المللی دادگاه ها در حقوق ایران. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران ،

1404

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.517870.1274>